

بمناسبت نود و هشتمین سالگرد انقلاب کبیراکتوبر

## **خاطره ای انقلاب کبیراکتوبر برای همیشه زنده است و به حکم علم انقلاب پرولتری پیروزی اکتوبرهای دیگری در جهان تحقق یافتی اند!**

انقلاب کبیراکتوبر با عظمت ترین انقلاب اجتماعی در جهان بود. انقلاب اکتوبر در شرایطی بوقوع پیوست که قدرتهای امپریالیستی برای تجدید تقسیم جهان جنگ غارتگرانه ای را در سال 1914 آغاز کرده بودند و امپراتوری روسیه تزاری در این جنگ شکست خورده و به شدت تضعیف گردید. کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان روسیه بتاريخ (25) اکتوبر سال 1917 تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) در یک قیام مسلحانه بنیاد دیکتاتوری تزار را برانداخته و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را تأسیس و عصر نوینی را در جهان اعلام نمودند. پیروزی انقلاب کبیراکتوبر سنگین ترین و قاطع ترین ضربه ای بود به سیستم امپریالیستی جهانی. پیروزی انقلاب اکتوبر برای اولین بار ناقوس مرگ سرمایه داری جهانی و امپریالیسم را بصدادر آورد. پیروزی انقلاب اکتوبر این را ثابت ساخت که اگر کمونیستهای انقلابی یک کشور حزب کمونیست انقلابی را تشکیل دهند و آگاهی سیاسی انقلابی را به طبقه کارگر انتقال دهند و طبقه کارگر و سایر زحمتکشان تحت رهبری این حزب متحد و بسیج شوند، می توانند بزرگترین دژ ضدانقلاب را سرنگون کرده و دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار کنند. کمونیستهای انقلابی در روسیه تزاری بر رهبری رفیق لنین جهت تهیه عمده ترین و مهمترین سلاح انقلاب، حزب کمونیست انقلابی مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی طولانی را به پیش بردند. تهیه ای سلاح انقلاب، تشکیل حزب کمونیست انقلابی که بتواند مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان را علیه امپریالیسم و ارتجاع رهبری کند، برای کمونیستها و کارگران یک دست آورد بزرگ محسوب می شود. تاریخ انقلاب کبیراکتوبر گواه است که لنین در رأس سایر کمونیستهای انقلابی روسیه مبارزه دشواری را علیه اپورتونیسیم و رویزیونیسیم در روسیه و در سطح جهان به پیش برده و با غلبه بر انواع اندیشه های ضدانقلابی بورژوائی و خرده بورژوائی، خط انقلابی را تثبیت کرده و ستاد رهبری انقلاب پرولتری را ایجاد کرد. تجارب مبارزات انقلابی پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی و پیروزی انقلاب اکتوبر در روسیه نشان داد که حزب کمونیست انقلابی باید به لحاظ ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی و خصلت طبقاتی، واقعاً حزب پیش آهنگ طبقه کارگر بوده و از کمونیستهای واقعاً انقلابی و صادق تشکیل شده و تا حد امکان از وجود اندیشه ها و خطوط انحرافی غیر پرولتری و عناصر اپورتونیسیم و رویزیونیسیم تزکیه شده باشد و حزب کمونیست (بلشویک) روسیه دارای چنین ماهیت و خصلتی بود. رفیق لنین در رأس کمونیستها و پرولتاریای روسیه در آستانه انقلاب اکتوبر با تحلیل اوضاع روسیه تزاری و تجزیه و تحلیل موقعیت امپریالیسم جهانی بطور عام و امپریالیسم روسیه تزاری بطور خاص؛ استراتژی و تاکتیک انقلاب اکتوبر را دایمانه طرح کرده و با دانش علمی انقلابی و کیاست شخصی اش موقع حمله به دژ دشمن را بگونه دقیق تعیین کرده و دستور حمله را به مقرر ماندهی ضدانقلاب

صادر کرد. کارگران و دهقانان روسیه تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) و در رأس آن ولادی میرایلچ لنین بنیاد چند قرن حاکمیت تزاران را برانداختند. لنین روسیه را زندان ملل خواند که با پیروزی انقلاب کبیرا کتوبر خلقهای ملیتهای مختلف روسیه از زیر سلطه و ستم طبقاتی و ملی و استثمارچند لایه وحشیانه تزاریزم نجات حاصل کرده و به آزادی و دموکراسی و حق تعیین سرنوشت رسیده و جمهوریت های شوروی سوسیالیستی را تشکیل داده و در سال 1922 در یک اتحاد داوطلبانه ای ملل شوروی، دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بنیاد نهادند. پیروزی انقلاب اکتوبر (بعد از پیروزی کمون پاریس در سال 1871 میلادی که بعد از دو ماه و چند روز توسط بورژوازی وحشیانه سرکوب خونین گردیده و سقوط داده شد) یکی از بزرگترین و مهمترین دست آوردهای مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان است. و اتحاد شوروی سوسیالیستی من حیث اولین دژ انقلابی پرولتاریا در برابر امپریالیسم و ارتجاع جهانی ظهور کرد و پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان به آن من حیث حامی و نقطه امید می نگریستند. پژواک انقلاب اکتوبر به گوش زحمتکشان جهان رسید و جنبشهای انقلابی پرولتری با الهام از این انقلاب رهائیبخش در کشورهای مختلف جهان ظهور کرده و به پیشرفتهای دستیافتند. این تغییر ژرف در اوضاع جهانی بنفع خلقها و ملل اسیر، امپریالیسم بین المللی را سخت نگران ساخته و چهارده کشور امپریالیستی متحد شده و با کمک ارتجاع شکست خورده داخلی در سال 1918 تهاجم ضد انقلابی همه جانبه را علیه انقلاب اکتوبر و پرولتاریا و زحمتکشان روسیه آغاز کردند که تا سال 1920 ادامه یافت؛ ولی کارگران، دهقانان و کمونیستهای انقلابی با مبارزات قهرمانانه ای شان پوزه بلوک امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی را بخاک مالیده و از نظام نو بنیاد سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا حراست کردند. روسیه در جنگ جهانی اول خسارات زیادی متحمل شده و زیر بناهای اقتصادی آن صدمه دیده و فقر و گرسنگی بیداد می کرد؛ اما کارگران، دهقانان و کمونیستهای انقلابی روسیه با تحمل شرایط مشقتبار و از خود گذری غیر قابل وصفی علیه تهاجم امپریالیستهای خارجی و ضد انقلاب داخلی شجاعانه جنگیدند و از انقلاب اکتوبر و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی دفاع کردند. جنگ خلق علیه امپریالیستهای خارجی و ارتجاع داخلی دشوارترین آزمون پرولتاریای انقلابی روسیه بود که از آن موفق بدرآمدند و با کار و کوشش دوام دار بر مشکلات عدیده فایق آمده و زمینه برای ساختمان سوسیالیسم آماده گردید. تجربه پیروزی پرولتاریا و سایر زحمتکشان روسیه در جنگ علیه چهارده کشور امپریالیستی و ارتجاع داخلی بیانگر نیروی لایزال خلق است که تحت رهبری کمونیسم انقلابی، هیچ قدرت اهریمنی جهان یارای مقاومت در برابر آن را ندارد. انقلاب اکتوبر سال 1917 منحصر به روسیه نبود، بلکه متعلق به پرولتاریای سراسر جهان بود؛ زیرا پرولتاریا یک طبقه واحد بین المللی است و اندیشه انقلابی پرولتری یک اندیشه جهانی است. جنبشهای انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان با الهام از انقلاب اکتوبر بوجود آمده و به پیشرفت و تکامل ادامه دادند. حزب کمونیست چین در سال 1921 میلادی تشکیل گردید و رفیق مائوتسه دون گفت: "توپهای انقلاب اکتوبر کمونیسم را به چین آورد". بهمین صورت احزاب کمونیست در چندین کشور جهان تشکیل گردیده و جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای ضد امپریالیستی و ضدا ارتجاعی گسترش یافتند. با پیروزی انقلاب اکتوبر، کشورشوراها به ترویج و تبلیغ اندیشه ها و فرهنگ انقلابی پرولتری به سطح گسترده در جهان پرداخت و سطح آگاهی انقلابی روشنفکران مردمی و اقشار پیشرفته ای پرولتاریا ارتقاء یافت. و حمایت دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از مبارزات آزادی خواهانه و جنبشهای آزادیبخش ملی، امید به

آزادی ورهائی از سلطه و ستم امپریالیسم و ارتجاع را برای خلقها و ملل تحت ستم جهان بوجود آورده و تقویت کرد. کشورشوراها تحت رهبری لنین و استالین در مدت کوتاهی در همه عرصه ها به پیشرفتهای مهمی دستیافت. اقتصاد اتحاد شوروی تحت نظام سوسیالیستی به رشد و توسعه بی نظیری رسیده و طی سه و نیم دهه بیک کشور پیشرفته در جهان مبدل گردید. خلقهای اتحاد شوروی در زمینه های تعلیم و تربیت و رشد علوم و تکنالوژی به پیشرفتهای بزرگی دستیافتند، به آزادی و دموکراسی توده ای رسیده و از رفاه اجتماعی و خدمات بهداشتی با کیفیت بهره مند شدند. در جنگ جهانی امپریالیستی اول امپریالیسم روسیه تزاری در ائتلاف با امپریالیستهای انگلستان و فرانسه در برابر ائتلاف امپریالیستهای آلمان و اطریش و امپراتوری ترکیه عثمانی قرار داشت. در این جنگ غارتگرانه امپریالیسم روسیه تزاری بوسیله پیروزی انقلاب اکتوبر به گورستان تاریخ سپرده شد و اولین دولت دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی در جهان ظهور کرد. و امپریالیسم آلمان و اطریش و امپراتوری ترکیه عثمانی شکست خوردند و مستعمرات و متصرفات آنها بین امپریالیستهای رقیب (انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آمریکا) تقسیم گردید. در جنگ امپریالیستی جهانی دوم کشورشوراها با در نظر داشت منافع و مصالح اتحاد شوروی و ملل تحت سلطه فاشیسم با دولتهای امپریالیستی انگلستان، فرانسه و آمریکا (دول متفق) در جبهه متحد بین المللی بر ضد فاشیسم (امپریالیستهای آلمان، ایتالیا و جاپان) پیوست. و کارگران، دهقانان و کمونیستهای اتحاد شوروی در جنگ علیه ارتش آلمان نازی و در دفاع از نظام سوسیالیستی قهرمانانه جنگیده و حماسه آفریدند و حدود بیست میلیون تن از خلق شوروی در این جنگ جانهای خود را از دست دادند و مبارزه و مقاومت خلق اتحاد شوروی در شکست فاشیسم نازی نقش تعیین کننده ایفا کرد. در جریان جنگ جهانی دوم، کشورشوراها و ارتش سرخ تحت رهبری رفیق استالین برای کمونیستها، کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی در کشورهای اروپای شرقی که تحت سلطه استعماری فاشیسم قرار گرفته بودند کمک کرد تا با شکست فاشیسم و سرنگونی طبقات ارتجاعی داخلی دولتهای دموکراتیک توده ای تشکیل داده و زمینه رشد و ترقی برای آنها آماده گردیده و برخی از آنها به جوامع سوسیالیستی گذار کردند. به همین صورت خلق ویتنام تحت رهبری کمونیستهای این کشور در سال 1945 با قطع سلطه استعماری هشتاد ساله امپریالیسم فرانسه و سرنگونی طبقات ارتجاعی داخلی، انقلاب دموکراتیک توده ای به پیروزی رساندند. خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست و در رأس آن رفیق مائوتسه دون با سرنگونی سلطه استعماری امپریالیسم جاپان و ادامه جنگ انقلابی خلق و سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و بورژوازی بوروکرات کمپرادور و قطع کامل سلطه امپریالیسم در سال 1949 انقلاب دموکراتیک نوین را به پیروزی رسانده و در سال 1958 به انقلاب سوسیالیستی گذار نمود و در سال 1965 انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را آغاز کرد که تا سال 1975 ادامه یافت. و مبارزات آزادی بخش ملی خلقها در چندین کشور جهان نیز به پیروزی رسیدند. همه این تحولات عمیق انقلابی و ایجاد دیکتاتوریهای پرولتاریا در سطح جهان در قرن بیستم بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر انجام شدند. این انقلابات رهائیبخش بالهام از انقلاب کبیر اکتوبر و در پر تو علم انقلاب پرولتری (مارکسیسم- لنینیسم) و یا (مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم) صورت گرفتند. پیروزی این انقلابها و ساختمان جوامع سوسیالیستی و جوامع دموکراتیک توده ای در قرن بیستم از جمله بزرگترین دست آوردهای طبقات خلق زحمتکش در طول تاریخ پیدایش جوامع طبقاتی هستند. تاریخ مبارزات انقلابی پرولتاریای جهان و دست آوردهای پرشکوه آنها، بزرگترین گنجینه ای است برای آموزش کمونیستها و پرولتاریای انقلابی جهان. و همچنین تجارب منفی و تلخ به شکست کشاندن این انقلاب

ها بوسیله ای انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسم برای پرولتاریای انقلابی جهان نیز آموزنده است. رفیق مائوتسه دون براساس این توضیح که: "گذار به کمونیسم، گذاری بسیار طولانی خواهد بود که در سرتاسر آن طبقات و مبارزه طبقاتی وجود خواهد داشت، و اینکه نیروی محرکه در پیش بردن جامعه بطرف کمونیسم مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی می باشد- یعنی در سرتاسر سوسیالیسم، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی، تضاد عمده و مبارزه طبقاتی بین آنها حلقه کلیدی خواهد بود"، شکست انقلاب در اتحاد شوروی و علل و عوامل آنرا بعد از مرگ رفیق استالین بر مبنای دیالکتیک ماتریالیستی مورد تحقیق قرار داده و برای جلوگیری از شکست انقلاب در چین توسط رهروان سرمایه داری، رویزیونیستهای درون حزب و دولت چین، تئوری "ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" و "ادامه مبارزه طبقاتی در دوران سوسیالیسم تا رسیدن به کمونیسم" را تدوین کرد و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی را آغاز نموده و باین صورت انقلاب چین و نظام سوسیالیستی را برای یکدهه از شکست نجات داد. تئوری "ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" یکی از بزرگترین کشفیات رفیق مائوتسه دون است که بادیگر خدمات جاویدان اوبه علم انقلاب پرولتری (مارکسیسم-لنینیسم) آن را غنای کیفی بیشتری بخشیده و به (مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم) تکامل داد. تئوری "ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا" این درس را به کمونیستها و پرولتاریای انقلابی جهان آموخت تا هرچه بیشتر به ماهیت ضدانقلابی انواع رویزیونیسم و اشکال اپورتونیسم و علل پیدایش و شیوه ها و اشکال عملکرد آنها آگاهی حاصل کنند و با ادامه بلاوقفه مبارزه "بین دوخط" در احزاب و سازمانهای انقلابی پرولتری اثرات مخرب و ضدانقلابی آنها را به کمترین حد ممکن برسانند. رهبری حزب و دولت در اتحاد شوروی به وجود طبقات و ادامه مبارزه طبقاتی در دوران سوسیالیسم، توجه لازم ننمود. چنانچه در نقل و قول از گزارش رفیق استالین در مورد پیش نویس قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1936 این مطلب نمایان است که می گوید: "بدین ترتیب پیروزی کامل سیستم سوسیالیستی در تمام حیطه های اقتصاد ملی اکنون یک واقعیت است. و این به چه معناست؟ این بمعنای آنست که استثمار انسان توسط انسان نابود و از بین برده شده است. بدین ترتیب اکنون تمام طبقات استثمارگر نابود گردیده اند". این تحلیل استالین را به این اشتباه می کشاند که در گزارش به کنگره (18) حزب کمونیست در سال 1939 می گوید: "ویژگی ای که جامعه شوروی امروز را از هر جامعه سرمایه داری متمایز می سازد آنست که دیگر دارای طبقات متخاصم و انتاگونیستی نمی باشد، یعنی اینکه طبقات استثمارگر نابود شده اند و کارگران، دهقانان و روشنفکران که جامعه شوروی را تشکیل می دهند، در همکاری دوستانه به کار زندگی مشغول اند". اما واقعیت خصلت جامعه سوسیالیستی (منحیث مرحله گذار) و موجودیت طبقات و تضادهای انتاگونیستی و اینکه دوران گذار به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) دوران طولانی است، برخلاف این نظر استالین را ثابت کرد. و با مرگ رفیق استالین رویزیونیستهای "مدرن" (خروشچی) حملات ضدانقلابی را از درون حزب و دولت آغاز کردند و با سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا نظام سوسیالیستی را منهدم کرده و اتحاد شوروی سوسیالیستی (بزرگترین دژ انقلابی جهان) را به کشور سرمایه داری دولتی و به ابر قدرت سوسیال امپریالیستی و دشمن خلقهای جهان تغییر ماهیت دادند. بهمین صورت بعد از مرگ رفیق مائوتسه دون در سال 1976 رویزیونیستهای «سه جهانی» بر رهبری هواکو فینگ و دین سیائوپینگ که در جریان انقلاب کبیر فرهنگی از حزب طرد شدند و با امضای "ندامتنامه" دوباره به حزب برگشتند، با یک اقدام ضدانقلابی (کودتا) و دستگیری رهبران انقلابی نزدیک به مائوتسه دون بنام «گروه چهار نفره» و قتل و زندانی صد هاتن از کمونیستهای انقلابی و سرکوب

مقاومت توده های خلق انقلابی، دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را سرنگون کرده و چین را به کشوری سرمایه داری دولتی و سوسیال امپریالیستی مبدل کردند. و همچنین حزب کمونیست آلبانی در رأس آن انورخوجه در اواخر دهه هفتاد میلادی در پرتگاه دگمارویزیونیسم افتاد و آخرین دولت سوسیالیستی در جهان سقوط کرد.

بعد از شکست انقلاب در چین و سقوط آخرین پایگاه انقلاب در جهان؛ کمونیستهای انقلابی از کشورهای مختلف جهان شکست انقلاب در چین و بحران جنبش کمونیستی بین المللی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و مبارزه "بین دوخط" را جهت غلبه بر این بحران به پیش بردند. آنها کنفرانس بین المللی خزان سال 1980 را دایر کرده و بیانیه ای مشترک را صادر کرده و مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی اصولی را برای وحدت ایدئولوژیک-سیاسی و تشکیلاتی ادامه داده و خط ایدئولوژیک-سیاسی را بر مبنای "مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون" روشن کرده و اساسنامه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را در ماه مارچ 1984 اعلام کردند. باین ترتیب بحران جنبش کمونیستی بین المللی کاهش یافته و رونق در جنبشهای انقلابی پرولتری بوجود آمد. در اوایل دهه هشتاد میلادی جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست (م-ل-م) پیرو رهبری رفیق ابیسمایل گزمن (گونزالو) آغاز گردیده و به پیشرفتهای مهمی دست یافت و جنگ وارد مرحله ای نوین (تقویت ارتش خلق، استحکام مناطق پایگاهی انقلابی و تعادل استراتژیک) شده و آمادگی ارتش خلق برای حمله ای استراتژیک جهت سرنگونی دولت ارتجاعی و قطع سلطه امپریالیسم در پیرو صورت می گرفت. اما با دستگیری رفیق گونزالو و چندین تن دیگر از کدرهای حزب توسط دولت جنایتکار پیرو ضربه ای سختی بر حزب و جنگ خلق در پیرو وارد آمد. از جانب دیگر در آن شرایط حساس، جناح اپورتونیستی راست تسلیم طلب در درون زندان با یک حرکت خاینانه ("طرح آسومیر") سوء قصدی را علیه انقلاب خلق پیرو انجام داده و بدین وسیله ضربات سنگین دیگری بردست آوردهای این انقلاب که طی سالها مبارزه انقلابی و به بهای خون صدها تن کمونیست انقلابی و هزاران تن از کارگران و دهقانان انقلابی بدست آمده بود، وارد کرد. همچنین جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائونیست) در سال 1996 آغاز گردیده و برای یکدهه به پیروزیهای مهمی دست یافت. لیکن رهبری حزب کمونیست نپال (مائونیست) در رأس آن پراچندا مرتد در پرتگاه رویزیونیسم و تسلیم طلبی طبقاتی و ملی سقوط کرده و در سال (2006 میلادی) دست آوردهای مبارزات انقلابی خلق نپال را به هدر داد و خیانت بزرگی به انقلاب خلق نپال و پرولتاریا و انقلاب جهانی مرتکب گردید. با سقوط حزب کمونیست نپال (مائونیست) در منجلاب رویزیونیسم، جنبش انقلابی انترناسیونالیستی دچار بحران عمیقی گردیده و بیشتر اعضای "جا" منجمله حزب کمونیست انقلابی امریکا بر رهبری "باب آواکیان" در منجلاب اپورتونیسم افتادند. و انحرافات رویزیونیستی "باب آواکیان" هر چه بیشتر حزب کمونیست انقلابی امریکارا در این باتلاق کشاند. در شرایط کنونی جنگ خلق در چند ایالت هند، ترکیه (کردستان شمالی)، فلپین و پیرو تحت رهبری احزاب "مارکسیست-لنینیست-مائونیست" جریان دارد؛ لیکن جنبش کمونیستی بین المللی دچار بحران عمیقی است. بیش از بیست گروه، سازمان و حزب در کشورهای مختلف جهان وجود دارند که خود را "م-ل-م" می خوانند؛ لیکن هنوز نتوانسته اند با تعمیق مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی به وحدت رسیده و انترناسیونال کمونیستی را تاسیس نمایند. و علت اساسی آن است که تعداد زیاد آنها به اشکال گوناگون دچار اشتباهات و انحرافات اپورتونیستی هستند که مانع عمده را در این زمینه تشکیل میدهد. و فایق آمدن بر این بحران جز از طریق

مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی اصولی و انقلابی ممکن نیست. این رسالت کمونیستهای انقلابی جهان است تا با تشدید و تداوم مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی علیه اشکال اپورتونیزم و انواع رویونیسم زمینه را برای وحدت اصولی و تشکیل احزاب کمونیست انقلابی بر مبنای خط ایدئولوژیک-سیاسی (مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم) فراهم سازند. کمونیستهای انقلابی در کشورهای مختلف جهان به این حقیقت باور دارند که پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی بار دیگر با تشکیل احزاب کمونیست انقلابی و سازماندهی ارتشهای خلق مبارزات انقلابی مسلحانه را علیه ارتجاع فئودال کمپرادوری و امپریالیسم به پیش برده و با پیروزی انقلاب های دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی اکتوبرهای نوینی به پیروزی خواهند رسید و ضربات مهلکی بر پیگرامپریالیسم و ارتجاع جهانی وارد خواهد آمد. پیروزیهای پرولتاریا در قرن بیستم و موجودیت پایگاه های انقلابی حامی خلقها و ملل تحت ستم در اتحادشوروی و چین و وجود جنبشهای انقلابی پرولتری در سطح جهان، سد عمده در برابر تهاجمهای افسارگسیخته قدرتهای امپریالیستی علیه خلقها و ملل تحت ستم بوده و در صورت مداخلات و تجاوزات مستقیم علیه خلقها به شکستهای سنگینی مواجه شده اند. تهاجم نظامی سوسیال امپریالیسم «شوروی» علیه خلق افغانستان و تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا و متحدین " ناتو " آن در عراق در دهه اخیر قرن بیستم و همچنین تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا و ناتو در اوایل قرن بیست و یکم علیه خلقهای مظلوم افغانستان و عراق و بعد علیه خلقهای لیبی و سوریه و به بیراهه کشاندن و سرکوب جنبشهای آزادیخواهانه خلقهای عرب در کشورهای تونس، مصر، لیبی و سوریه توسط گروه های ارتجاعی اسلامی جنایتکار و سفاک که توسط امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و متحدین منطقه ای آنها مسلح شده و علیه خلقهای کشورهای شمال آفریقا و شرق میانه قرار داده شده اند، اکثر ابعثت فقدان یک پایگاه انقلاب پرولتری در جهان و عدم وجود جنبشهای انقلابی پرولتری در این کشورها و سایر کشورهای جهان بوده و هست. و جنگهای ارتجاعی و جنایتکارانه که در افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن، سومالی و نیجیریه بوسیله ای امپریالیستهای امریکائی و ناتو و امپریالیسم فدراسیون روسیه و گروه های اسلامی جنایتکار و وحشی جریان دارند و روزانه صدها تن از خلقهای مظلوم این کشورها را در آتش آن می سوزانند و هستی مادی و معنوی آنها را به نابودی می کشانند، همه در جهت اهداف غارتگرانه امپریالیستهای امریکائی، ناتو و امپریالیسم فدراسیون روسیه و سوسیال امپریالیسم چین (که با حمایت همه جانبه از دولت ارتجاعی پاکستان بگونه ای در این جنگهای ارتجاعی و جنایتکارانه سهیم است) صورت می گیرند. و نیز به سبب ضعف جنبش کمونیستی بین المللی طی سالهای اخیر جنبشهای ضدامپریالیستی در کشورهای سرمایه داری بوجود آمده و بعد از مدت زمان کوتاهی فروکش کردند. و یگانه راه نجات خلقهای زحمتکش جهان از استثمار بیرحمانه و ستم و وحشیانه و جنگهای جنایتکارانه قدرتهای امپریالیستی و ارتجاع هم دست آنها؛ سوسیالیسم و کمونیسم است که از طریق مبارزات انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان جهان تحت رهبری احزاب کمونیست انقلابی (م-ل-م) تحقق خواهند یافت.

**-زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم!**

**-پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان در سراسر جهان!**

**- زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!**

**-نابود باد امپریالیسم و ارتجاع بین المللی!**

25 اکتوبر 2015

(پولاد)